

گزارش وحدت و تهافت رویه قضایی در امور تجاری (سال ۱۳۹۲) - قسمت دوم

تهیه و تنظیم: پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی*

• وحدت رویه قضایی در خصوص «اصل حاکم بر ظهنویسی در اسناد تجاری»
ظهنویسی سند تجاری به دو منظور انجام می‌گردد: یکی به قصد «انتقال» صورت می‌گیرد دیگری به منظور «وکالت». از آنجا که آثار ناشی از هر یک از موارد فوق، متفاوت می‌باشد لذا تعیین نوع ظهنویسی حائز اهمیت است. در صورت بروز اختلاف میان طرفین در مورد دلالت ظهنویسی، محاکم معتقدند ظهنویسی سند تجاری، ظهور در انتقال سند تجاری دارد مگر اینکه صراحتاً ظهنویسی به عنوان وکالت در وصول قید شده باشد، زیرا در ظهنویسی، اصل بر انتقال است. و آن (ظهنویسی) به قصد اعطای وکالت و نمایندگی، باید اثبات گردد.^۱

• وحدت رویه قضایی در خصوص «حفظ حقوق دارنده با حسن نیت در فرض امانی بودن چک»

اثبات امانی بودن چک، خللی به حقوق دارنده با حسن نیت وارد نمی‌کند.^۲
بنابراین، چنانچه چک، علی‌رغم اقرار دارنده اولیه آن به امانی بودن، به شخص ثالثی منتقل شده باشد با توجه به اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت، صدور حکم به استرداد چک غیرممکن است.^۳

* آدرس پستی پژوهشگاه قوه قضاییه

Adress Email Pajooheshkade

۱. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۶۳۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۳۹۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۳۸۰۰۰۹۱۸ مورخ ۱۳۹۲/۷/۹ شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران



• وحدت رویه قضایی در خصوص «امکان تقاضای تأخیر تأدیه چک بعد از اجرا از طریق ثبت»

در صورت مطالبه توسط دارنده، متعهد چک، مکلف به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ صدور، در حق دارنده می‌باشد و مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت، مسقط مسئولیت خوانده در تأدیه خسارت تأخیر تأدیه آن نیست.^۱

• وحدت رویه قضایی در خصوص «جاری نشدن اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در صورت درج شروطی مربوط به روابط پایه»

در صورت درج مشروط بودن قابلیت وصول چک بر امری (مربوط به روابط پایه منجر به صدور چک) در متن چک، دارنده ثالث نمی‌تواند ادعای عدم اطلاع از رابطه قراردادی صادرکننده و دارنده اولیه و شروط قراردادی آنها را مطرح کند و به وصف تجریدی اسناد تجاری و اصل عدم قابلیت استماع ایرادات در مقابل دارنده ثالث با حسن نیت، استناد نماید.^۲

• وحدت رویه قضایی در خصوص «ضمانت اجرای عدم انطباق تاریخ صدور با تاریخ مندرج در چک»

گفتنی است شاید وجه تسمیه چک وعده‌دار عرفاً به سبب مغایرت با تاریخ مندرج در چک باشد، لذا طبق نظر برخی از شعب دیوان عالی کشور، در صورت اثبات وعده‌دار بودن چک، آن چک به عنوان سند تجاری محسوب نمی‌شود ضمن آنکه مشمول حکم تضامنی بودن مسئولیت امضاءکنندگان و نیز مسئولیت صادرکننده و صاحب حساب، نمی‌گردد.^۳

• تهافت رویه قضایی در خصوص «وضعیت معاملات تاجر پس از تاریخ توقف»

در اینجا باید اذعان نمود که ممکن است بین تاریخ صدور حکم ورشکستگی و تاریخ اعلام شده توسط دادگاه به عنوان «تاریخ توقف»، تفاوت باشد و به عبارت

۱. رأی شماره ۱۱۷۱/۲۲۲۸۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۷ شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۱۴۶۰/۲۲۱۷۰۹۹۷۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۹ شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۲۳۵/۲۲۱۳۰۰۲۲۱۳۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۸ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۰۰۳/۲۲۱۳۰۰۰۳۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۲۹۳/۰۸۱۰۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۹ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور؛ رأی شماره

۰۰۳/۲۲۱۳۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

دیگر، در حکم ورشکستگی تاریخ مقدماتی به عنوان تاریخ توقف ذکر گردد. وضعیت معاملات تاجر در فاصله میان تاریخ توقف تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی، منجر به اختلاف نظر در رویه قضایی شده است چنانکه:

طبق بعضی از آراء قضایی، هر معامله‌ای توسط تاجر پس از تاریخ توقف، با عنایت به عدم اهلیت وی و خلل در ارکان صحت معامله، فاسد بوده، محکوم به بطلان است، حتی اگر تاریخ توقف، سال‌ها بعد از طی حکمی اعلان گردد و او (تاجر) را در زمان معامله، ورشکسته اعلام نماید و یا حتی در این معامله، غبطه شرکت و طلبکاران لحاظ شده باشد.^۱

اما برخی دیگر از آراء قضایی مبتنی بر این نتیجه است: معاملاتی که تاجر بعد از تاریخ توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی انجام می‌دهد در صورتی باطل است که به ضرر طلبکاران باشد.^۲

• وحدت رویه قضایی در خصوص «مهلت اعتراض ثالث به حکم ورشکستگی»

در موردی که شخص ثالثی نسبت به حکم ورشکستگی معترض باشد این امر منجر به تعارض میان مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و قانون تجارت می‌گردد. براساس رویه استخراج شده از آراء منتخب، شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران، طبق قانون تجارت، اشخاص مقیم ایران می‌توانند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار رأی ورشکستگی، اعتراض خود را اعلام نمایند و قاعده مذکور، نسبت به حکم عام آیین دادرسی مدنی درباره اعتراض ثالث، قاعده خاص بوده و کماکان مراعی است.^۳

• وحدت رویه قضایی در خصوص «ملاک صدور حکم ورشکستگی»

دادگاه برای صدور حکم ورشکستگی شرکت باید عدم توانایی مالی شرکت برای پرداخت دیون را احراز نماید و صرف عدم پرداخت یک دین، موجب صدور حکم ورشکستگی نخواهد بود.^۴ بنابراین، به صرف برگشت خوردن یک فقره چک،

۱. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۴۴۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۸۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۱ شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۴۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۷ شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۱۴۱۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۸۷۴ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۵ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۰۱۶۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۵ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

نمی‌توان حکم به اعلام ورشکستگی صادرکننده چک، صادر نمود.^۱ همچنین، چنانچه شرکت به پرداخت مبلغی محکوم گردد و نسبت به اجرای حکم اقدام ننماید، مطابق ماده ۴۱۲ قانون تجارت نمی‌توان او را به سبب عدم پرداخت محکوم‌علیه، محکوم به ورشکستگی کرد.^۲

• **تهافت رویه قضایی در خصوص «شرایط اقامه دعوی ورشکستگی توسط تاجر»**

یکی از اشخاصی که مطابق قانون تجارت می‌تواند و حتی در برخی موارد مکلف است دعوی ورشکستگی را اقامه کند، شخص تاجر است. علت اختلاف رویه میان محاکم در خصوص شرایط و تشریفات طرح این دعوا از سوی تاجر می‌باشد چنانکه:

طبق نظر برخی از محاکم، در صورتی که دادخواست ورشکستگی تقدیمی تاجر مدعی ورشکستگی، مستند به صورتحساب با اوصاف مقرر در ماده ۴۱۴ قانون تجارت و نیز لیست بستانکاران با میزان طلب آنان نبوده و دفاتر شرکت نیز ارائه نشده باشد دعوی، مطابق شرایط مقرر در قانون نه تنها اقامه نمی‌شود بل مردود می‌گردد.^۳

و اما بنا به باور برخی دیگر از محاکم، هر چند شخص تاجر باید برای اثبات ادعای ورشکستگی خود، دفاتر تجاری‌اش را به دفتر محکمه تحویل نماید لیکن صرف عدم ارائه آن، مانع از پذیرش دعوی ورشکستگی نیست. دادگاه در این مورد با اختیارات محوله (مطابق ماده ۱۹۹) و جلب نظر کارشناس می‌تواند درباره صحت و سقم موضوع در ماهیت امر تصمیم‌گیری کند بی‌آنکه به لحاظ نقص فوق، قرار عدم استماع یا رد دعوی صادر نماید.^۴

۱. رأی شماره ۱۵۳۸/۲۳۳۷۰۲۲۳۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۲۰۲۱۲/۲۲۰۳۰۰۲۲۰۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۰۹۹۰/۲۲۳۵۰۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۹ شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۰۰۵۸/۲۲۳۷۰۰۲۲۳۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴. رأی شماره ۰۰۲۹/۲۲۱۸۰۰۰۲۲۱۸۰ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی

شماره ۰۰۷۶۷/۲۶۹۴۰۰۲۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره

۰۰۷۴۶/۲۶۹۵۰۰۲۶۹۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

• تهافت رویه قضایی در خصوص «لزوم طرح دعوای ورشکستگی تاجر به طرفیت همه طلبکاران»

مطابق برخی از آراء صادره، در موردی که دعوای ورشکستگی از سوی خود تاجر طرح می‌شود، طرح دعوای توقف و ورشکستگی از سوی وی باید به جهت لزوم تدارک شرایط دفاع برابر به طرفیت همه بستانکاران اقامه گردد.^۱

در مقابل، مبنای صدور آراء دیگر بر این است که در دعوای صدور حکم ورشکستگی، لزومی به طرح این دعوی به طرفیت طلبکاران تاجر نیست، زیرا در هیچ‌یک از قوانین جاری، بر لزوم طرح دعوای تاجر به طرفیت طلبکاران به‌منظور رسیدگی به ورشکستگی اشاره‌ای نگردیده است و در صورتی که طلبکاران نسبت به اعلان ورشکستگی و تاریخ توقف تاجر، معترض باشند حق رسیدگی به اعتراض آنان در همان دادگاه پیش‌بینی شده است.^۲

• تهافت رویه قضایی در خصوص «طرح دعوای ورشکستگی علیه دادستان»

بر اساس نظر برخی از شعب دادگاه تجدیدنظر، طرح دعوی ورشکستگی توسط ذی‌نفعان علیه دادستان عمومی موضوعیت ندارد و در مورد این دعوی قرار رد صادر می‌گردد.^۳

ولیکن برخی از شعب معتقدند حکم ورشکستگی دارای اثرات اجتماعی وسیع و گسترده بوده به‌طوری که بعضاً افراد متعدد و زیادی را در جامعه تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از این رو دادستان عمومی، طرف دعوی ورشکستگی است.^۴ فلذا برای مثال، دعوی ثالث که در مقام اعتراض به رأی بدوی دایر بر ورشکستگی طرح شده باید به طرفیت تاجر ورشکسته (خواهان دعوی بدوی) و دادستان طرح گردد و چنانچه در این دعوی، دادستان، طرف دعوی قرار نگرفته باشد محکوم به رد است.^۵

۱. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۰۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۹ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۲۳۷ مورخ ۱۳۹۲/۳/۵ شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۴. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۸۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۶ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۵. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۱۱۵ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۷ شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

• وحدت رویه قضایی در خصوص «ضمانت اجرای عدم اثبات تاجر بودن خواهان در دعوی ورشکستگی»

در موردی که دعوی ورشکستگی طرح می‌شود به‌ویژه در مواردی که خواهان، شخص تاجر است دادگاه ابتدائاً باید تاجر بودن وی (خواهان) را در دعوی اعلام ورشکستگی احراز نماید در غیر این صورت باید با یک تصمیم شکلی به صورت قرار عدم استماع دعوا یا قرار رد دعوا، موضوع را فیصله دهد و اتخاذ تصمیم ماهیتی از جمله صدور حکم به بطلان دعوا یا حکم به بی‌حقی خواهان، فاقد وجهت است.^۱

• تهافت رویه قضایی در خصوص «استفاده از علائم تجاری یکسان در کالاها و خدمات دو طبقه متفاوت»

اگر علامت تجاری - که به دلیل یکسان بودن، تقاضای ابطال آن شده است - نسبت به علامت تجاری خواهان، از طبقه کالای متفاوتی باشد در مورد امکان ابطال علامت مؤخرالصدور، میان محاکم اختلاف نظر وجود دارد:

براساس برخی آراء، ملاک در پذیرش اعتراض نسبت به علامت تجاری که تقاضای ثبت آن شده یا به ثبت رسیده، واحد بودن طبقه و محصولات نیست بلکه ملاک، اشتباه مصرف‌کنندگان عادی در تشخیص مبدأ تولید محصولات و تمیز کالا یا خدمات یک شخص از کالا یا خدمات اشخاص دیگر است.^۲

اما بنا به استدلال بعضی از آراء، اگر کالاهایی با علامت تجاری مشابه، از دو طبقه مختلف کالا یا خدمات باشند موجبی برای ابطال علامت تجاری مؤخرالثبت وجود ندارد.^۳

۱. رأی شماره ۱۵۰۶۱۵۰۳۰۲۲۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۵ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۱۳۳۴۰۱۳۳۴۰۲۲۰۸۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۳۰ شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۰۳۰۸۰۳۰۲۲۱۲۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۱۲۲۸۰۱۲۲۸۰۲۲۱۲۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۵ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۰۵۰۱۰۱۰۲۲۱۲۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ رأی شماره ۰۴۶۷۰۲۲۱۲۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۹ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

● وحدت رویه قضایی در خصوص «شرط حمایت قانونی از علامت تجاری ثبت شده در دیگر کشورها در حقوق ایران»

تا زمانی که مالک علامت تجاری، علامت موصوف را در ایران ثبت نکرده باشد نمی‌تواند از حمایت‌های قانونی مندرج در کنوانسیون پاریس برخوردار گردد.^۱ بنابراین، صرف ثبت علامت تجاری در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، مالکِ علامت را از حمایت قانونی در سایر کشورهای عضو از جمله ایران بهره‌مند نخواهد ساخت.^۲ بهره‌وری از حمایت‌های کنوانسیون پاریس در ایران، مستلزم آن است که متقاضی ظرف مدت شش ماه از تاریخ ثبت اظهارنامه، درخواست خود را در ایران ثبت نماید.^۳

۱. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۷۴۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲. رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۶۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۳. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران